

محرم ۱۴۴۴ استاد علیدوست

عاشورا به مثابه یک دانشگاه پردرس جلسه ۱

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على رسول الله و على آله المعصومين و لعنة الله على اعدائهم
الغاصبين الظالمين

الهم كن لوليک الحجة الحسن صلواتک علیه و علی آباءه فی هذه الساعة و فی کل الساعة و لیا و حافظا و قائدا
و ناصرا و دلیلا و عینا حتی تسکنه ارضک طوعا و تمتعه فیها طویلا

اللهم عجل لوليک الفرج....

از فرصتی که پیش آمده و چند شبی را در وقت کوتاهی محضر شما برادران و خواهران عزیز باشم، خدای
بزرگ را شاکرم

رسم خوبی که قبلا در منابع بود بیان احکام و مساله بود که امروزه این جریان کم رنگ تر شده و شاید دلیل
آن این است که رسانه هایی از جمله صدا و سیما به نوعی این کار را عهده دار شده اند، در حالی که مسلم
این است که این برنامه ها نمی تواند جایگزین منبر شود.. و لذا من هم تمسک می کنم به همان روش
گذشتگان و یک مساله کوتاهی را بیان می کنم... و بعد هم می پردازیم به بحث اصلی و هر شب یک بحثی را
مطرح می کنیم انشا الله

بسیار مساله ساده ای است ولی همین مقدار هم لازم است که نوجوانها و تازه به بلوغ رسیده ها توجه
داشته باشند مطلب در خصوص وضو هست و ان شاء الله که به همین صورتی که من بیان می کنم شما
هم به دیگران انتقال دهید ..

در وضو می دانید ما معمولا ابتدا دستانمان را تمیز می کنیم، بعد میرویم سراغ شستن صورت به قصد وضو
و شستن دست راست ، دست چپ مسح سر و مسح پا

ما از آن جا که اول دستانمان را شستیم گاه تا مچ شستشو میدهیم به این دلیل که اول دستانمان را شستیم
برخی وقتی می خواهند دست را بشویند به این دلیل که قبلا دست را اول کار شسته اند ، این نوبت صرفا تا
مچ را می شویند و بقیه دست را رها می کنند به این دلیل که معتقدند قبلا انگشتان و مچ را شسته اند، و
بعد هم دست چپ و در نهایت مسح و مسح پا ...

این را به یاد داشته باشید که شستن نوبت اول دست ، جزء وضو به حساب نمی آید.... در واقع این شستن
برای تمیز کردن دست است و کسی هم ان را جزء وضو به حساب نمی آورد... وضو از شستن صورت شروع
می شود... و چون از شستن صورت شروع می شود وقتی می خواهیم دست راست را به قصد وضو شستشو
بدهیم باید تا سرانگشتان را بکشیم... و دست چپ را به همین صورت تا سر انگشت
.....

البته نباید به این شکل باشد که وسواس داشته باشد بلکه نباید به این شکل هم باشد که فقط تا مچ دست را بشوید ورها کند و بعد هم مسح سر است و مسح پا

به هر حال با این که این مساله ساده جلوه می کرد ولی لازم بود و چه بسا نوجوانان و کسانی که تازه به سن بلوغ رسیده اند، برایشان جای سوال باشد که امیدواریم این نکته حل شده باشد....

امیدوارم خدای متعال همه ما را به معارف دین خودش علاقمند تر کند و همچنین به مذهب به احکام و به شریعت دین مامتوسل می شویم به صلوات بر محمد و آل محمد ...

موضوع صحبت من این است : عاشورا به مثابه یک دانشگاه

باید دید که چه مشابهتی هست بین واقعه عاشورا و دانشگاه

دانشگاه به عنوان محل درس شناخته میشود و دانشجو می رود که درس بگیرد و استاد هم می رود که تدریس کند و این امری است که بین همه ما به این شکل جا افتاده است...

عاشورا یک دانشگاه پردرسی است...

ما از این به بعد سعی می کنیم که هر شب یک درس را از این دانشگاه برای شما بیان کنیم..

گاهی عزاداری می کنیم و ثواب می بریم و گاه بالاتر از عزاداری ، هدف این است که هر جلسه یک درس از عاشورا را یاد بگیریم و به کار بگیریم

ما در طول تاریخ سه گونه رفتار با حادثه عاشورا داشتیم، من سعی می کنم به نوعی بیان کنم که برای همه بزرگواران قابل استفاده باشد ...

یک رفتار این است که ما حادثه عاشورا را یک رفتار عاطفی در نظر بگیریم و به مثابه یک حادثه احساسی قلمداد کنیم ؛ ما از اوائل قرن چهارم عزاداری جدی در شیعه داریم ..ال بویه اوائل قرن چهارم در بغداد که البته بغداد هم جزئی از ایران بوده و عزاداری رسمی از آنان آغاز می شود و می بینیم که همه عزاداری ها احساسی است و می بینیم که حتی وقتی راجع به عاشورا کتاب نوشته می شود در واقع مقاتل نوشته می شود. و مقاتل هم کتبی است که حادثه عاشورا را از زاویه شهید و شهادت و کشته شدن در راه خدا تبیین می کند، یعنی حادثه عاشورا را یک حادثه عاطفی و احساسی تحلیل می کند ..و حتی چند قرن بعد دوران صفویه و بعد دوران قاجار در تمامی این مقاطع رویکرد به عاشورا رویکرد احساسی و عاطفی است و صرفا از دید کشته شدن و شهادت و کشته شدن بحث را مورد واکاوی قرار میدهد.

اما این که ما از حادثه عاشورا چه اخلاق و درسی می توانیم بگیریم در این رویکرد از آن نشانی نیست. در حادثه عاشورا چه حرکات اخلاقی صورت گرفت این ها مواردی است که صحبتی در اطراف آن نشده است.

رویکرد دوم رویکرد انقلابی و مبارزه است. رویکردی که در دهه های اخیر رایج شده است. در این رویکرد این قدر که از خون و شمشیر و امر به معروف و نهی از منکر صحبت می شود قبلا صحبت نمی شد... یعنی زاویه جدید (خون و شمشیر) و بعد هم که گفته می شود که خون بر شمشیر پیروز است. رفتار دوم شد توجه به جنبه های حماسی عاشورا

رفتار سوم: که بنده حسرت می خورم که نه در گذشته و نه الان کمتر به آن توجه می شود... و آن جنبه اخلاقی حادثه عاشورا است... حادثه عاشورا فقط یک حادثه عاطفی نیست... فقط کشتن و کشته شدن نیست و فقط انقلاب و حماسه و جریان پیروزی خون بر شمشیر نیست؛ این ها همه هست اما مهمتر از این ها پیام اخلاق حادثه عاشورا است..

جا دارد که به این قضیه حتی از دید تنظیم رساله دکتری برای اهل قلم و تحقیق نگاه شود (چه تحقیق دانشگاهی و یا حوزوی) و محقق از این زاویه کار کند... حادثه عاشورا از جهت اخلاق (اخلاق به معنای عام)... و البته ضد اخلاق... چون هم اخلاق دارد و هم ضد اخلاق و واقعا جای کار هست که کسی در این راستا در عرصه تحقیق قلم و قدم زند...

من یکی دو مورد را امشب کار می کنم که کافی باشد...

روز دوم محرم لشکریان امام حسین علیه السلام می رسند به کربلا آن جا متوقف میشوند که از نهری که هست آب بردارند امام زودتر آمدند و بعد لشکریان حر می آیند... طرف امام آب خنک دارد و لشکر مقابل زمانی می رسد که آب گرم شده است... مطالبی که می خواهم بگویم خود مورخان گسیل شده یزید و عبیدالله این جریان را نوشته اند که اولین حرکت اخلاقی امام علیه السلام دادن آب خنک به لشکریان حر بود... و نکته دیگر ظهر که شد می خواستند نماز بخوانند و جالب این است که هم لشکر امام نماز جماعت را می خواهد اقامه کند هم لشکر حر... امام علیه السلام به لشکر مقابل اطلاع داد که شما می خواهید نماز بخوانید ما هم می خواهیم نماز بخوانیم، حرهم پیام داد شما نماز بخوانید و ما به شما اقتدا می کنیم! آن توبه روز عاشورا گویای این بود که حر تا منجلاب هلاکت رفت اما در نهایت نجات یافت... آن نماز شاید بی تاثیر نبود، این جا است که نماز جماعت مشترک خوانده می شود یعنی اهتمام به عبادت... و اهتمام به نماز در بحبوحه حوادث آن هم حادثه ای مثل کربلا... از این گونه موارد من بخواهم برای شما بیان کنم زیاد است...

آخرین مورد را بیان می کنم و تمام می کنم موسی بن عمیر انصاری می گوید پدرم گفت که صبح عاشورا امام حسین علیه السلام من را خواستند و گفتند عمیر در بین جمعیتی که با ما هست با صدای بلند بگو: اگر کسی حق الناس گردنش هست و ادا نکرده و آمده و کسی نیست که ادا کند، برود و با ما نباشد؛ ما نمی خواهیم کسی که حق الناس برگردنش هست با ما باشد..

در این هنگام کسی گفت من بدهی دارم و به کسی گفته ام که بدهی مرا بدهد که امام علیه السلام به او گفتند آیا مطمئن می که بدهی تو را می پردازد؟ او گفت: نه مطمئن نیستم که امام علیه السلام در این حالت به او گفتند که: برو....

این یک پیام از عاشورا است افرادی هستند که تا گردن زیر بار بدهی به مردم و حق الناس اند اما تا صبح سینه می زنند و عزاداری می کنند [و نمیدانند که ادای حق الناس از عزاداری بالاتر و مهم تر است] ممکن است فرد خالصانه هم عزاداری کند اما حق الناس برگردنش باشد که البته گناه و اشکال بزرگی است... ممکن است این حق الناس مصادیقی داشته باشد از جمله این که نسبت به همسایه کوتاهی کرده باشد یا همسر یا اقوام و... و من دلیل این بی توجهی را در این می بینم که بعد اخلاقی حادثه عاشورا کمتر بیان شده است...

انشاءالله که در پرتو برکات توجه به عاشورا به معرفت دست یابیم به این معرفت عمل کنیم....

ذکر مصیبت:

یک حدیثی هست از امام رضا علیه السلام

• در همین رابطه امام رضا علیه السلام در رابطه با سیره پدر بزرگوارشان امام کاظم (ع) هنگام ورود به ماه محرم فرموده اند: «كَانَ أَبِي إِذَا دَخَلَ شَهْرَ الْمُحَرَّمِ لَا يُرَى ضَاحِكًا وَكَانَتِ الْكِبَابَةُ تَغْلِبُ عَلَيْهِ حَتَّى يَمُضِيَ مِنْهُ عَشْرَةُ أَيَّامٍ، فَإِذَا كَانَ الْيَوْمَ الْعَاشِرُ كَانَ ذَلِكَ الْيَوْمَ يَوْمَ مُصِيبَتِهِ وَحُزْنِهِ وَ بُكَائِهِ وَ يَقُولُ هُوَ الْيَوْمَ الَّذِي قُتِلَ فِيهِ الْحُسَيْنُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ؛ رُوشِ پدَرَمِ چَنَانِ بُوَدُ كِه هِرگَاهِ وَارِدِ مَاهِ مَحْرَمِ مِی شَدِیم، خَنْدَانِ دِیدِه نَمِی شَدِ وَ غَمِ بَرِ اَوِ غَلْبِه مِی یَافَتِ تَا آن كِه ۱۰ رُوزِ ازِ مَحْرَمِ مِی گَزْدَشْتِ، پَسِ هِنگَامِی كِه رُوزِ دَهْمِ مِی رَسِیدِ، آن رُوزِ، رُوزِ مَصِیْبَتِ، غَمِ وَ گَرِیِه پَدَرَمِ بُوَدِ وَ مِی فَرْمُودِ: اِینِ هِمَانِ رُوزِی اسْتِ كِه حُسَینِ كِه دَرُودِ خَدَاوَنَدِ بَرِ اَوِ بَادِ دَرِ آن رُوزِ كَشْتِه شَدِ.»

السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَعَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَعَلَى أَوْلَادِ الْحُسَيْنِ وَعَلَى أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ

خدایا دعاها را به هدف اجابت برسان

والحمد لله رب العالمین